



Received:
16 January 2023
Revised:
1 January 2024
Accepted:
14 January 2024
Published:
14 January 2024
P.P: 123-149

ISSN: 2821-0247
E-ISSN: 2783-4743



Explaining the goals of America in the 2022 war in Ukraine

Rahbar Taleihur¹  | Rostam Bahrami²

DOR: 20.1001.1.28210247.1402.3.2.5.4

Abstract

Russia's war with Ukraine has been one of the most important developments in the international system in recent decades. Although the attention of observers and analysts of international relations has been focused on the goals of Russia in this war, the goals of the United States of America in this war should not be neglected, and considering that the United States of America has tried to maintain its hegemonic position after the collapse of the Soviet Union. To confront other countries in different regions of the world, addressing the goals of that country in the Ukraine war can be important. Therefore, the main purpose of this article is to address the US goals in the Ukraine war, and the research question can be expressed in this way: what goals does the US pursue in the Ukraine war? In response to the research question, a hypothesis is put forward that maintaining the geopolitical balance in Europe, weakening Russia and securing the economic interests of military-industrial complexes could be one of the US goals in the Ukraine war. The research findings show that the Ukraine war, despite the problems it has created for that country and the international community, has been effective in meeting the US goals of this war, which is to weaken Russia. This research is of descriptive-analytical type and library resources and internet scanning have been used

Keywords: USA, Ukraine war, Russia, geopolitical balance,, containment.

1. Corresponding author: Associate Professor, Department of International Relations, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran. taleihur10@gmail.com
2. Master's student in International Relations, Khwarazmi University, Tehran, Iran.





تبیین اهداف آمریکا در جنگ ۲۰۲۲ اوکراین

رهبر طالعی حور^۱ | رستم بهرامی^۲

۱۰

سال سوم
تابستان ۱۴۰۲

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۰/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۱/۰۸

صص: ۱۴۹-۱۲۳

شابا چاپی: ۲۴۷-۲۸۲۱
الکترونیکی: ۴۷۴۳-۲۷۸۳



چکیده

نگ روسیه با اوکراین یکی از مهم‌ترین تحولات نظام بین‌الملل در دهه‌های اخیر بوده است. اگرچه توجه ناظران و تحلیل‌گران روابط بین‌الملل متوجه اهداف روسیه در این جنگ بوده اما نباید از اهداف ایالات متحده آمریکا از این جنگ غافل شد و با توجه به اینکه ایالات متحده آمریکا بعد از فروپاشی شوروی تلاش کرده برای حفظ موقعیت هژمونی خود از قدرت گرفتن سایر کشورها در مناطق مختلف جهان جلوگیری نماید، پرداختن به اهداف آن کشور در جنگ اوکراین می‌تواند دارای اهمیت باشد. بنابراین هدف اصلی در این مقاله پرداختن به اهداف آمریکا در جنگ اوکراین است و سؤال پژوهش را هم می‌توان به این صورت بیان کرد که آمریکا از جنگ اوکراین چه اهدافی را دنبال می‌کند؟ در پاسخ به سؤال تحقیق فرضیه‌ای به این صورت طرح می‌گردد که حفظ تعادل و توازن ژئوپلیتیک در اروپا، تضعیف روسیه و تامین منافع اقتصادی مجتمع‌های نظامی - صنعتی می‌تواند از اهداف آمریکا در جنگ اوکراین باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد جنگ اوکراین با وجود مشکلاتی که برای آن کشور و جامعه جهانی به وجود آورده، در تامین اهداف آمریکا از این جنگ که حفظ تعادل و توازن ژئوپلیتیک در اروپا، تضعیف روسیه و تامین منافع اقتصادی مجتمع‌های نظامی - صنعتی است، تاثیرگذار بوده است. این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی بوده و از منابع کتابخانه‌ای و پویس اینترنتی برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است.

کلیدواژه‌ها: ایالات متحده آمریکا، جنگ اوکراین، روسیه، رئالیسم تهاجمی، توازن ژئوپلیتیک، مهار.

۱. نویسنده مسئول: دانشیار گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

taleihur10@gmail.com

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

استناد: طالعی حور، رهبر؛ بهرامی، رستم؛ تبیین اهداف آمریکا در جنگ ۲۰۲۲ اوکراین؛ مطالعات راهبردی آمریکا، ۱۰(۳)،

۱۴۹-۱۲۳. DOI: 20.1001.1.28210247.1402.3.2.5.4

نویسندگان ©

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.



مقدمه

ايالات متحده آمريكا بعد از فروپاشي شوروي تلاش کرده برای حفظ موقعيت هژموني خود از قدرت گرفتن ساير کشورها در مناطق مختلف جهان جلوگیری نماید. یکی از مهم ترین مناطقی که مورد توجه آمريكا واقع شده، اروپای شرقی است که به دليل نزديکی جغرافیایی به روسیه به عنوان رقيب ديرينه آن کشور، در کانون توجه آمريكا قرار گرفته است. آمريكا راهبرد تحت فشار قرار دادن روسیه در نزديکی مرز خود را به عنوان راهی برای محدود کردن توان نظامی-اقتصادی آن کشور مدنظر داشته و تلاش برای نفوذ در ساختارهای اقتصادی، سیاسی و نظامی جمهوری‌های عضو شوروي سابق، چه در آسیای مرکزی و قفقاز و چه در اروپای شرقی، هدف بلندمدت آمريكا عليه روسیه بوده است.

یکی از مهم ترین کشورهای اروپای شرقی که در کانون رقابت ایالات متحده آمريكا و روسیه قرار گرفته، اوکراین است. اوکراین به دليل موقعيت جغرافیایی خود، اهميت زیادی برای بازیگران مهم جهانی دارد. روسیه از دست دادن اوکراین را تهديد جلدی برای خود می‌داند و در مقابل، آمريكا گسترش ناتو به شرق اروپا و نفوذ در اوکراین را مهمترین عامل برای تضعیف روسیه تلقی می‌کند و از همان ابتدا تلاش کرده با حمایت از این کشور از افتادن آن به دام روسیه ممانعت نماید. آمريكا در بحران ۲۰۱۴ (۱۳۹۲) با حمایت از غرب‌گرایان اوکراینی سبب تنش هر چه بیشتر در این کشور شد و به نظر می‌آید تحریک آمريكا مبنی بر عضویت اوکراین در ناتو در شکل‌گیری جنگ اوکراین در سال ۲۰۲۲ بی‌تأثیر نبوده است.

بنابراین هدف اصلی در این مقاله پرداختن به اهداف آمريكا در جنگ اوکراین است و سؤال پژوهش را هم می‌توان به این صورت بیان کرد که آمريكا از جنگ اوکراین چه اهدافی را دنبال می‌کند؟ در پاسخ به سؤال تحقیق فرضیه‌ای به این صورت طرح می‌گردد که حفظ تعادل و توازن ژئوپلیتیک در اروپا، تضعیف اقتصاد روسیه و تامین منافع اقتصادی مجتمع‌های نظامی-صنعتی از اهداف آمريكا در جنگ اوکراین است.

سازماندهی پژوهش به گونه‌ای است که پس از پرداختن به پیشینه تحقیق و روش پژوهش، رئالیسم تهاجمی به عنوان چارچوب نظری مورد بحث قرار می‌گیرد. در بخش بعدی به ریشه‌های

بحران و اهمیت اوکراین برای آمریکا اشاره شده و در بخش مهم پژوهش، اهداف آمریکا در جنگ ۲۰۲۲ اوکراین تبیین می‌گردد.

پیشینه تحقیق

زمانی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل ریشه‌ها و ماهیت بحران اوکراین: تشدید تنش شبه جنگ سرد بین روسیه و غرب» به این نتیجه می‌رسد که اوضاع و احوال حاکم بر نظام بین‌المللی در دهه‌های آغازین قرن بیست و یکم با نیمه دوم قرن بیستم متفاوت است و تنش در روابط مسکو-واشنگتن بر سر بحران اوکراین به دنبال اثبات اینکه جنگ سرد جدیدی در حال شکل‌گیری است، نمی‌باشد.

صفری و وثوقی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «ژئوپلیتیک اوکراین و نقش آن در رقابت روسیه و ایالات متحده آمریکا» با بررسی تحولات سال ۲۰۱۴ به این نکته اشاره کرده‌اند که تفکر مکیندری و تاثیر آن بر نگرش سیاستمداران ایالات متحده آمریکا باعث شده است که اوراسیا و شرق اروپا همواره دارای اولویت اساسی در دستور کار سیاست خارجی باشد.

نوژاد و کریمی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «تقابل روسیه و آمریکا در اوکراین و تاثیر آن بر منافع ملی ایران» به این نتیجه رسیده‌اند که در عصر جهانی شدن، اوضاع منطقه‌ای و جهانی در هم تنیده شده است؛ لذا بحران در یک منطقه، منافع بازیگران در مناطق دیگر را تحت تاثیر قرار می‌دهد. بحران اوکراین ریشه در رقابت روسیه و آمریکا در این کشور دارد که در انقلاب‌های نارنجی، آبی و بحران ۲۰۱۴ به منصفه ظهور رسید و وقوع بحران باعث تقویت روابط مسکو-تهران در راستای تحقق منافع ملی ایران شد.

رستمی و زینلی بادی (۱۴۰۰) نیز در مقاله‌ای با عنوان «بررسی اهمیت استراتژیک اوکراین برای اروپا و آمریکا» تلاش کرده‌اند اهمیت اوکراین را برای دو قدرت ایالات متحده آمریکا و اروپا مورد بررسی قرار دهند. نویسندگان در این مقاله اشاره می‌کنند که به طور کلی غرب از بعد امنیتی تلاش دارد تا این کشور پیرامونی روسیه را زیر چتر حمایتی خود قرار دهد، در حالی که روسیه به دنبال الحاق مجدد آن است و از همین رو، غرب با توجه به منافع ژئوراهبردی خود، از اوکراین در برابر روسیه حمایت می‌کند.

روبل^۱ و حسین^۲ (۲۰۲۲) در مقاله‌ای با عنوان «تجزیه و تحلیل علل جنگ روسیه و اوکراین با سه تصویر والتز (فردی، سیاست داخلی، سیستم بین‌المللی)» اشاره می‌کنند در سطح فردی، پوتین گرایش اوکراین به ناتو را نمی‌پذیرفت. در سطح داخلی، روسیه انتظار اشغال سریع کی‌یف را داشت و اینکه کشورهای دیگر از اوکراین حمایت نمی‌کنند و در سطح بین‌المللی گرچه تلاش‌هایی دیپلماتیک در سطوح بالا برای جلوگیری از جنگ انجام شد و پس از جنگ تحریم‌هایی شدید بر روسیه اعمال شد اما از نظر نظامی، طرف سومی به طور مستقیم وارد جنگ نشد چرا که ممکن بود این جنگ شکلی جهانی به خود بگیرد و به اروپا و کل جهان تسری پیدا کند.

کومار شاهی^۳ (۲۰۲۲)، در مقاله‌ای با عنوان «جنگ در اوکراین: تحلیلی ژئوپلیتیکی» اشاره می‌کند حمله روسیه به اوکراین نشان دهنده اولین جنگ بزرگ در اروپا پس از جنگ جهانی دوم است. علت اصلی این بحران تضاد بین جاه‌طلبی‌های ژئوپلیتیک ناتو و روسیه است. بنابراین با این جنگ رقابت‌های ژئوپلیتیکی بین غرب و روسیه تشدید شده است. پیامدهای ژئوپلیتیکی جنگ نیز به این بستگی دارد که پیروزی یا باخت چقدر تعیین کننده است. اما یک چیز روشن است؛ این جنگ پیامدهای جدی نه تنها برای اوکراین و روسیه بلکه برای جهان خواهد داشت. حتی اگر آتش‌بس و حل و فصل صلح وجود داشته باشد، برای مثال نقشه سیاسی اروپا دیگر هرگز مثل سابق نخواهد بود. همچنین پتانسیل تشدید درگیری با ناتو و اتحادیه اروپا، از جمله تهدید جنگ هسته‌ای (هرچند این شانس کم باشد) وجود دارد.

بررسی پیشینه‌های موجود نشان می‌دهد، فقر منابع در این موضوع یکی از محدودیت‌های پژوهش بوده و عمده مسائل مطرح شده در این زمینه، در خبرگزاری‌ها و سایت‌های اینترنتی بوده و مقاله علمی که اهداف آمریکا را تبیین نماید، یافت نشد و امید است این مقاله بتواند خلاء پژوهشی موجود در این زمینه را رفع نماید.

-
- 1 . Rubel
 - 2 . Hossain
 - 3 . Kumar Shahi

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع کاربردی بوده و از نظر رویکرد توصیفی - تحلیلی است. گردآوری داده‌ها با اتکا به مطالعات کتابخانه‌ای و پویش‌های اینترنتی انجام شده است. این تحقیق ماهیتی کیفی داشته و اطلاعات با استفاده از استدلال و تحلیل عقلایی به صورت کیفی و تفسیری مورد تحلیل قرار گرفته است.

چارچوب نظری

در سیاست و روابط بین‌الملل، فهم بهتر رفتار دولت‌ها و تبیین علمی رویدادها و پدیده‌های بین‌المللی نیازمند بهره‌گیری از نظریه‌هایی است که مفروضه‌های آن بیشترین هم‌خوانی را با واقعیت داشته باشد. در کلی‌ترین سطح، همه نظریه‌های واقع‌گرا، جهانی را به تصویر می‌کشند که در آن هیچ سازمان یا نهادی وجود ندارد که بتواند از دولت‌ها در برابر یکدیگر محافظت کند، و در آن دولت‌ها باید نگران این باشند که آیا یک متجاوز خطرناک ممکن است آن‌ها را در مقطعی در آینده تهدید کند یا خیر. این وضعیت، دولت‌ها - به ویژه قدرت‌های بزرگ - را مجبور می‌کند که نگران امنیت خود باشند و برای کسب قدرت با هم رقابت کنند (Walt, 2022).

به نظر می‌رسد بهترین نظریه رئالیستی که قابلیت تبیین‌کنندگی بالایی نسبت به دیگر نظریات را داشته، نظریه واقع‌گرایی تهاجمی به‌عنوان یک نظریه توصیفی - تجویزی است. جان مرشایمر یکی از سرشناس‌ترین واقع‌گرایان تهاجمی است که نظریه خود را در کتاب تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ در سال ۲۰۰۱ تدوین و ارائه کرده است. از نظر مرشایمر رئالیسم تهاجمی بر پنج مفروض استوار است: نظام بین‌الملل آنارشیک و اقتدارگریز است؛ قدرت‌های بزرگ ذاتاً دارای برخی توانمندی‌های نظامی هستند و بر این اساس می‌توانند به یکدیگر صدمه بزنند؛ دولت‌ها هرگز نمی‌توانند درباره نیات سایر دولت‌ها مطمئن باشند؛ بقا هدف اصلی قدرت‌های بزرگ است و قدرت‌های بزرگ بازیگرانی خردمند هستند (گریفیتس، ۱۳۹۳: ۶۱).

هنگامی که این پنج مفروض با یکدیگر پیوند می‌خورند، انگیزه‌هایی قوی برای رفتار و افکار تهاجم‌آمیز قدرت‌های بزرگ در قبال یکدیگر به وجود می‌آورند. این امر به ایجاد سه‌الگوی رفتاری

منتج می شود: ترس، خودیاری و به حداکثر رساندن قدرت. قدرت های بزرگ از یکدیگر می ترسند، آن ها نسبت به یکدیگر بدگمان بوده و همواره از قریب الوقوع بودن جنگ نگرانند. دولت ها همچنین در نظام بین الملل در پی تضمین بقای خود هستند چون در سیاست بین الملل خدا با کسانی است که به فکر خود باشند و به خویش یاری رسانند. این اصرار و تأکید بر اصل خودیاری، دولت ها را از تشکیل اتحادها باز نمی دارد؛ اما اتحادها تنها پیوندهایی موقتی اند. دولت ها که از نیت غایی دولت های دیگر در هراسند و می دانند که در یک نظام خودیاری عمل می کنند، خیلی زود در می یابند که بهترین شیوه برای تضمین بقایشان این است که قدرتمندترین دولت این نظام باشند چرا که قدرت کلید گنج بقاست. در نتیجه دولت ها توجه خاصی به نحوه توزیع قدرت در میان خود دارند و کوشش بسیاری به عمل می آورند تا سهم خود را از قدرت جهانی به حداکثر برسانند (مرشایمر، ۱۳۸۸: ۳۶). براساس این نظریه، قدرت های بزرگ همواره در پی یافتن فرصت هایی برای افزایش قدرت خود نسبت به رقبایشان می باشند و رسیدن به قله قدرت هژمون را هدف نهایی می دانند. قدرت هژمون برای حفظ موقعیت خود و جلوگیری از برهم خوردن موازنه قوا توسط مهاجمین دو استراتژی اصلی پیش رو دارد: ایجاد موازنه قوا^۱ و احاله مسئولیت^۲. در توضیح این دو استراتژی باید گفت کشورهای مورد تهدید به طور جدی خودشان را متعهد به مهار رقیب خطرناک می کنند. به عبارت دیگر آن ها تمایل دارند که بار مسئولیت بازدارندگی و یا مبارزه با مهاجم را در صورت نیاز بر دوش کشند. اما با احاله مسئولیت، آن ها سعی می کنند تا قدرت های دیگری را وادار به کنترل و مهار قدرت مهاجم کنند در حالی که خود در حاشیه باقی می مانند. کشوری که این استراتژی را به کار می برد کاملاً می داند که بایستی از افزایش سهم کشور مهاجم از قدرت جهانی جلوگیری شود اما به دنبال کشور دیگری می گردد که توسط آن مهاجم تهدید می شود تا این وظیفه سنگین را به عهده وی قرار دهد (جعفری و دادپناه، ۱۳۹۵: ۱۶۲).

از دیدگاه مرشایمر، بحران اوکراین نشان می دهد که نظریه رئالیسم در قرن بیست و یک نیز برای تبیین رخدادهای بین المللی قابلیت و توانمندی های بسیاری نسبت به سایر نظریه ها دارد و بی توجهی به آن باعث غافل گیری نخبگان می شود (2: Mearshiemer, 2014).

1. Balance of power
2. Buck-Passing

رقابت روسیه و آمریکا در بحران ۲۰۲۲ اوکراین را می‌توان در قالب نظریه رئالیسم تهاجمی تبیین کرد، روسیه تلاش می‌کند با توجه به گسترش ناتو به شرق اروپا موازنه قوا را در آنجا حفظ نماید و در طرف مقابل هم آمریکا با هدف بیشینه‌سازی قدرت خود تلاش دارد ناتو را به سمت شرق اروپا گسترش دهد که این مسئولیت را در حال حاضر به اوکراین احاله کرده و از آن کشور حمایت مالی و تسلیحاتی می‌نماید.

۱- ریشه‌های بحران اوکراین

از لحاظ راهبردی، اوکراین طی ۴ قرن گذشته، نقش حایل اروپا و روسیه را ایفا کرده و پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی نیز مرز اتحادیه اروپا با روسیه بوده است. پس از استقلال اوکراین، این کشور سنگر گاه روسیه در برابر ناتو و همچنین دیوار دفاعی شرقی روسیه با اروپا شد (بهمن، ۱۳۹۴: ۵۶). ناتو بلافاصله پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به بهانه‌های واهی اقدام به محاصره گام به گام و تدریجی روسیه از طریق ایجاد پایگاه‌های نظامی، سایت‌های موشکی و جذب اعضای جدید از میان کشورهای بلوک شرق، هم‌پیمانان قبلی مسکو در پیمان ورشو و جمهوری‌های شوروی سابق نموده است. لتونی، استونی و لیتوانی (جمهوری‌های بالتیک)، اولین جمهوری‌هایی بودند که به عضویت ناتو درآمدند و به دنبال آن پیشروی ناتو به سوی مرزهای فدراسیون روسیه همچنان ادامه یافت. رسانه‌های آمریکایی در مقالات خود مرتباً به خوانندگان تذکر می‌دادند که جمهوری‌های بالتیک زمانی مستقل بوده و در سال ۱۹۳۹ مورد هجوم اتحاد جماهیر شوروی قرار گرفته و منضم به آن شده و از آن زمان به بعد تحت اشغال بوده‌اند. در واقع تلاش می‌شد تا از این مسئله به عنوان موردی از توسعه‌طلبی شوروی بهره برداری به عمل آید. این در حالی است که سه کشور مذکور از سال ۱۷۲۱ میلادی تا وقوع انقلاب روسیه در اکتبر و در میانه جنگ جهانی دوم، بخشی از امپراطوری روسیه بوده‌اند (Blum, 12 May 2014:1-2).

از منظر روسیه گسترش ناتو به شرق، این کشور را در وضعیت آسیب‌پذیری قرار می‌دهد، چرا که گسترش ناتو و الحاق کشورهای اروپای شرقی و بالکان به آن، ساختار امنیتی روسیه را با مخاطره روبرو می‌سازد. از سوی دیگر آمریکا با توجه به برتری خود در زمینه‌های اقتصادی و نظامی، مایل است از فرصت تاریخی فروپاشی شوروی استفاده و از قدرت نظامی و اقتصادی در جهت تقویت

جايگاه و هژموني خود بهره‌برداري نمايد. در اين رابطه ناتو تنها نهادي است كه قادر است به مداخلات آمريكا در اروپا و اروپاي شرقي مشروعيت بخشد. آمريكا ناتو را به عنوان اتحاديهاي عملياتي و ابزاري سودمند و موثر براي اعمال سياست‌هاي مورد نظر خويش قلمداد مي‌كند و در اين راستا از آن نهايت بهره برداري را به عمل مي‌آورد. بدون شك هيچ چيزي به اندازه تلاش واشنگتن در استقرار نيروهاي نظامي ناتو در جوار مرزهاي روسيه و کاهش فاصله ناتو با پايگاه تاريخي دريای سياه اين کشور در کریمه، نمی‌تواند روسيه را به عكس‌العمل شديد و نهايتاً اعزام نظاميان به مرزهاي خود با اوكرين و حتي داخل بخشي از خاك اين کشور ترغيب نمايد (زمانی، ۱۳۹۲: ۹۰۲-۹۰۱).

روسيه قبل از آغاز حملات خود به اوكرين با استقرار بيش از صد هزار نيرو در امتداد مرز خود با اوكرين، خواستار امتيازات امنيتي بزرگ از ناتو بود. روسيه مدعي بود كه رهبران ايالات متحده به وعده‌هاي خود در اوایل دهه ۱۹۹۰ مبنی بر عدم گسترش عضويت ناتو به شرق عمل نكرده‌اند. در مقابل، رهبران ايالات متحده و ناتو بيان داشتند كه چنين تعهداتي داده نشده است و از بحث در مورد محدوديت‌ها در مورد گسترش آینده ناتو امتناع می‌کردند. رهبران روسيه سال‌ها نسبت به گسترش ناتو به سمت شرق محتاط بودند. به ويژه زماني كه اين اتحاد، درهاي خود را به روی کشورهای سابق پيمان ورشو و جمهوري‌هاي شوروي سابق در اواخر دهه ۱۹۹۰ گشود. ترس آن‌ها در اواخر دهه ۲۰۰۰ افزايش يافت زيرا ائتلاف قصد خود را براي پذيرش گرجستان و اوكرين در نقطه‌ای نامشخص در آینده اعلام کرد (بيژن، ۱۴۰۰).

روند نفوذ نظامي روسيه در اوكرين، از اوایل سال ۲۰۲۱ آغاز شده بود و علی‌رغم افزايش نيروها، مقامات روسيه از اواسط نوامبر ۲۰۲۱ تا ۲۰ فوریه ۲۰۲۲ مکرراً طرح روسيه براي حمله به اوكرين را رد می‌کردند. سرانجام در ۲۱ فوریه ۲۰۲۲ (۲ اسفند ۱۴۰۰)، روسيه به‌طور رسمي جمهوري خلق دوتسک و جمهوري خلق لوهانسک، دو کشور خودخوانده در منطقه دونباس در شرق اوكرين را به رسميت شناخت و نيروهاي خود را به اين مناطق اعزام کرد. روز بعد، شوراي فدراسيون روسيه به اتفاق آرا به پوتين مجوز استفاده از نيروي نظامي در خارج از مرزهاي روسيه را صادر کرد و روز ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ روسيه تهاجم گسترده‌ای را به اوكرين آغاز کرد. اين تهاجم بزرگ‌ترين حمله نظامي متعارف به خاك اروپا از زمان جنگ جهاني دوم است كه آمريكا و غرب را در برابر روسيه قرار داد (مشرق نيوز، ۱۴۰۱/۰۸/۲۵).

۲- اهمیت اوکراین برای آمریکا

کشور اوکراین با توجه به موقعیت خاص ژئوپلیتیکی که دارد در سیاست خارجی آمریکا از جایگاه مهمی برخوردار است. ایالات متحده آمریکا با هدف برقراری هژمونی خود در صدد غربی‌سازی اوکراین و مقابله با نفوذ سنتی روسیه در این کشور است (نونژاد و کریمی، ۱۳۹۷: ۱۴۷). اوکراین برای ایالات متحده آمریکا بیشتر به لحاظ سیاسی و در عرصه رقابت جهانی با سایر قدرت‌ها دارای اهمیت است. لذا آمریکا استراتژی تحت فشار قرار دادن روسیه در نزدیکی مرزهای آن را به عنوان راهی جهت محدود کردن توان نظامی-اقتصادی روس در پیش گرفته است. تلاش برای نفوذ در ساختارهای اقتصادی، سیاسی و نظامی جمهوری‌های عضو شوروی سابق چه در آسیای مرکزی و قفقاز و چه در اروپای شرقی، هدف بلندمدت و پرمناقشه راهبردی آمریکا علیه روسیه بوده است. اهمیت ژئوپلیتیکی اوکراین به عنوان دومین کشور بزرگ اروپایی واقع در سواحل شرقی و غربی دریای سیاه تا آن حد است که برژینسکی از آن کشور به عنوان «قطار سیاست منطقه‌ای پس از گسترش» اتحادیه اروپا یاد می‌کند. برژینسکی معتقد بود بدون اوکراین، روسیه دیگر یک امپراتوری اوراسیایی نیست؛ روسیه بدون اوکراین باز هم سعی خواهد کرد تا برای رسیدن به جایگاه امپراتوری تلاش کند؛ اما بیشتر یک امپراتور آسیایی خواهد شد و در تضاد و برخوردهای آسیای مرکزی درگیر خواهد شد (برژینسکی، ۱۳۸۵: ۴۹). توجه به خطر روزافزون روسیه در کشورهای پیرامون و تشکیل شده از شوروی سابق، کشورهای غربی و آمریکا را ترغیب نمود تا از جداسازی این کشورها از روسیه استقبال و حمایت نمایند که پیامد آن تشکیل اتحادیه گوام^۱ در سال ۱۹۹۷ با شرکت گرجستان، اوکراین، جمهوری آذربایجان و مولداوی بود (کتاب سبز روسیه، ۱۳۸۸: ۳۱۶). در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان منافع آمریکا در اوکراین را در سه سطح اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و سیاسی-امنیتی بررسی کرد.

الف) علائق اقتصادی-تجاری: اوکراین از زمان استقلال، یکی از دریافت‌کنندگان اصلی کمک‌های خارجی و نظامی ایالات متحده در اروپا و اوراسیا بوده است. در دهه ۱۹۹۰ (سال مالی ۱۹۹۲ تا سال مالی ۲۰۰۰)، دولت ایالات متحده تقریباً ۲.۶ میلیارد دلار به اوکراین (به طور متوسط ۲۸۷ میلیون دلار در سال) کمک کرد. در دهه ۲۰۰۰ (سال مالی ۲۰۰۱ تا سال مالی ۲۰۰۹)، کل

1 . GUAM

كمك به اوكرين تقريباً ۱۸ ميليارد دلار (به طور متوسط ۱۹۹ ميليون دلار در سال) بود. در پنج سال قبل از حمله روسيه به اوكرين در سال ۲۰۱۴ (سال مالي ۲۰۱۰ تا سال مالي ۲۰۱۴)، كمك‌هاي دوجانبه وزارت امور خارجه و آژانس توسعه بين‌المللي ايالات متحده (USAID) به طور متوسط حدود ۱۰۵ ميليون دلار در سال بود (Welt, 2021: 32). دولت اوپاما در سال ۲۰۱۴ حدود ۹۵.۲۷۱ ميليون دلار از كنگره براي كمك به اوكرين تقاضا كرد. از اين مقدار ۵۳.۹۳۷ ميليون دلار براي حساب صندوق حمايت اقتصادي، ۴.۲ ميليون دلار براي تامين مخارج نظامي، ۲۸.۷۰۴ ميليون دلار براي برنامه‌هاي بهداشت جهاني وزارت خارجه، ۱.۹ ميليون دلار براي بودجه برنامه‌هاي آموزشي نظامي بين‌الملل، ۴.۱ ميليون دلار براي برنامه‌هاي اجرائي قانون و كنترل بين‌المللي مواد مخدر و ۲.۴۱ ميليون دلار نيز براي برنامه‌هاي منع گسترش، مبارزه با تروريسم و ساير برنامه‌ها اختصاص داشت (Woehrel, 2014:12). بنا بر اين تضعيف وابستگي اوكرين به روسيه از راه كمك‌هاي اقتصادي و تسهيلات تجاري، تسلط و كنترل بر مسير انتقال انرژي به اروپا، بهبود فرصت‌هاي تجاري براي شركت‌ها و كمپاني‌هاي آمريكا، حمايت از برنامه‌هاي عمراني كه زمينه حضور غرب و آمريكا را در اين منطقه بيشتر كند، به دست آوردن سهمي از بازار مصرف اين کشور و تلاش براي هم‌گرایی اقتصادي با غرب از دلایل اصلي اقتصادي توجه آمريكا به کشور اوكرين می‌باشد (نقدی نژاد و سوری، ۱۳۸۷: ۱۶۷؛ دانش‌نیا و مارايی، ۱۳۹۵: ۱۳۷).

ب) علائق اجتماعي-فرهنگي: تلاش براي نزديك كردن اين کشور به فرهنگ غربي از راه گسترش همكاري‌هاي اجتماعي- فرهنگي و آموزشي، تلاش براي ترويج ارزش‌هاي غربي و پياده كردن مدل‌هاي حكومت غربي (شاهد اين مدعا تلاش‌هاي آمريكا در كمك به انقلاب‌هاي رنگي، نارنجي و آبي در اين کشور است)، تلاش براي ارتباط با نخبگان جديد اين کشور و تقويت آنان در مقابل نخبگان قديمي كه بيشتر متأثر از تربيت اتحاد شوروي هستند و به روسيه گرايش بيشتر نشان می‌دهند، تلاش براي تقويت حضور فرهنگي از راه گسترش فعاليت سازمان‌هاي غير دولتي (نقدی نژاد و سوری، ۱۳۸۷: ۱۶۸؛ دانش‌نیا و مارايی، ۱۳۹۵: ۱۳۸).

ج) علائق سياسي-امنيتي: تضعيف روسيه از راه تقويت استقلال کشورهای پسا شوروي به‌ويژه اوكرين، تأمين امنيت اين کشور به‌عنوان مهم‌ترين مکان انتقال انرژي به اروپا، حضور نظامي و افزايش همكاري‌هاي نظامي در چارچوب طرح‌هايي چون طرح مشاركت براي صلح و شكل دادن

به ترتیبات امنیتی منطقه و گسترش ناتو به شرق، تلاش برای هضم بیشتر این کشور در ساختارهای غربی و آمریکایی همچون یورو- آتلانتیک و ناتو، ادامه حمایت های اقتصادی، سیاسی و نظامی خود از کشورهای طرفدار غرب، حمایت سیاسی و مالی از نهادها و سازمان های غیردولتی حامی هدف های آمریکا (نقدی نژاد و سوری، ۱۳۸۷: ۱۶۹؛ دانش نیا و مارایی، ۱۳۹۵: ۱۳۸).

۳- اهمیت اوکراین برای اتحادیه اروپا

اروپا مهم ترین کشور اروپای شرقی در ابعاد جغرافیای سیاسی و اقتصادی برای اتحادیه اروپاست. اهمیت ژئوپلیتیکی این کشور، به عنوان دومین کشور بزرگ اروپایی واقع در سواحل شرقی و غربی دریای سیاه تا بدان جاست که برژینسکی از آن کشور به عنوان «قطار سیاست منطقه ای پس از گسترش اتحادیه اروپا» یاد می کند. اوکراین از جایگاه ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ممتاز و انحصاری در اروپای شرقی برخوردار است (عبداللهی و باقری، ۱۳۹۷: ۹؛ رستمی و زینلی بادی، ۱۴۰۰: ۱۳۹).

«اوکراین در دهه اول استقلال به عنوان یکی از جمهوری های شوروی سابق مورد توجه اتحادیه اروپا نبود. با گسترش اتحادیه در شرق اروپا که از سال ۲۰۰۴ آغاز شد، اوکراین مورد توجه اروپا قرار گرفت. در حال حاضر، اتحادیه اروپا بزرگترین شریک تجاری اوکراین است که بیش از ۴۰ درصد تجارت خارجی این کشور را به خود اختصاص داده است. اوکراین همچنین هجدهمین مقصد صادراتی اتحادیه اروپا و نوزدهمین مبدأ واردات کالا به این اتحادیه است که حدود ۱.۱ درصد از کل تجارت اتحادیه اروپا را به خود اختصاص داده است. صادرات اتحادیه اروپا به اوکراین از ۱۳.۷ میلیارد یورو در سال ۲۰۱۵ به بیش از ۲۴ میلیارد یورو در سال ۲۰۱۹ رسید و در مقابل، صادرات اوکراین به اتحادیه اروپا هم در همین مدت از ۱۲.۵ میلیارد یورو به بیش از ۱۹ میلیارد یورو افزایش یافت. بنابراین، اتحادیه اروپا پتانسیل بیشتری برای توسعه روابط اقتصادی و تجاری با اوکراین متصور است. چرا که اوکراین افزون بر در اختیار داشتن بازاری با ۴۳ میلیون مصرف کننده، ۷۰ درصد از زمین های قابل کشت آن از حاصلخیزترین خاک اروپا است» (یورو نیوز، ۲۰۲۲).

مهم ترین اهمیت اوکراین برای اروپا، نقش ترانزیتی آن کشور در زمینه انرژی است. اروپا برای حدود ۴۰ درصد از گاز و ۲۵ درصد از واردات نفت خود به روسیه وابسته است که اوکراین نقش

مهمی در ترازیت آن دارد و هرگونه اختلال می‌تواند بحران انرژی را در اروپا موجب شود (Gordon, 2022).

۴- اهداف آمریکا در جنگ اوکراین

قبل از شروع جنگ، روسیه بارها از غرب خواسته بود در صورت مصمم بودن به کاهش تنش‌ها، به درخواست‌های امنیتی مسکو توجه کند. روسیه بارها اعلام کرده بود استقرار سیستم‌های دفاع موشکی و نظامی ناتو در کشورهای هم‌چون اوکراین خطرناک است و به همین دلیل ناتو باید نسبت به سیاست‌های توسعه‌طلبانه خود نزدیک مرزهای روسیه تجدیدنظر کند. بی‌توجهی آمریکا به خواسته‌های امنیتی روسیه و تأکید مداوم آمریکا بر حمله نظامی روسیه به اوکراین در رسانه‌ها، قبل از شروع این رخداد به جای اتخاذ تصمیمی برای جلوگیری از آن، نشان داد که آمریکا اهدافی در این جنگ داشته که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌گردد.

۴-۱- حفظ تعادل ژئوپلیتیک در اروپا

با فروپاشی اتحاد شوروی، آمریکا به هژمون جهانی بدون رقیب تبدیل شد. در این راستا، آمریکا تلاش کرده است تا نفوذ و تسلط خود بر تمام مناطق جهان را حفظ کند و به ویژه از پیدایش هژمون‌های منطقه‌ای مستقل و مخالف با اهداف و منافع خود جلوگیری نماید (Bill, 2001: 89-92). ایالات متحده با کشورهایی که دارای اهداف ایدئولوژیک بوده و به مقابله با سرمایه‌داری بین‌المللی می‌پردازند مقابله کرده و در سال‌های گذشته به سبب دخالت‌های خود در این مورد حتی درگیر جنگ‌های مختلفی شده است. موضوع دیگری که ایالات متحده نسبت به آن حساس بوده، شکل‌گیری هژمون‌های منطقه‌ای مستقل و یا مخالف آمریکا است. این موضع‌گیری در مورد مناطق غنی و راهبردی به روشنی دنبال شده و از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است. در این راستا آمریکا تلاش کرده است با استفاده از اتحاد‌های منطقه‌ای و همراهی با کشورهای دوست در منطقه، تحریم‌های اقتصادی، اعلامیه‌های رسمی عمومی، تهدید نظامی، ژست‌ها و فشارهای سیاسی بر این نوع حکومت‌ها فشار آورده تا از مواضع ضد آمریکایی خود دست بردارند و یا در موضعی تدافعی در مقابل این کشور قرار گیرند (Snyder, 1999: 266-267).

در سال ۱۹۹۴، زیگنیو برژینسکی، مشاور سابق امنیت ملی، تعامل ایالات متحده با اوکراین تازه استقلال یافته را با این استدلال توجیه کرد که یک اوکراین قدرتمند نه تنها به نفع اوکراینی‌ها خواهد بود، بلکه به جلوگیری از ظهور امپراتوری جدید روسیه کمک می‌کند و امنیت منطقه‌ای و جهانی را تقویت می‌نماید. برژینسکی گفت: «نمی‌توان به اندازه کافی تاکید کرد که بدون اوکراین، روسیه امپراتوری نیست، اما با تحت انقیاد و سپس تابعیت اوکراین، روسیه به طور خودکار به یک امپراتوری تبدیل می‌شود» (Brzezinski, 1994: 80).

آمریکا برای حفظ نظم موجود، مهار رقبای قدرتمند و قدرت‌های نوظهور و همچنین بازدارندگی در مقابل آنان، سعی دارد استراتژی تعادل و توازن ژئوپلیتیک را پیاده سازی کند. بر این اساس ایالات متحده تلاش می‌کند اولاً از اتحاد کشورهای قدرتمند جلوگیری نماید و ثانیاً آنان را به رقابت با یکدیگر وادار سازد. در این ارتباط کسینجر استراتژیست مشهور آمریکایی در توصیه‌ای راهبردی به مقامات کاخ سفید گفته بود «برای حفظ تعادل ژئوپلیتیک» در اروپا، روسیه نباید بیش از حد معینی به اروپا نزدیک تر گردد. جنگ اوکراین به عنوان بخش مهمی از پازل راهبردی آمریکا برای استراتژی تعادل و توازن ژئوپلیتیک، از یک سو روسیه را از اروپا دور می‌سازد و کشورهای حوزه یورو را با ادراک «روسیه‌هراسی» در جرگه متحدان واشنگتن حفظ می‌کند. از دیگر سو پیاده‌سازی این استراتژی اروپا را در دو حوزه امنیت و انرژی بیش از پیش به ایالات متحده وابسته می‌سازد (سراج، ۱۴۰۰).

هدف واشنگتن «تضعیف» همه رقبای بالقوه خود است. این تاکتیک برای ژاپن اعمال شده و برای آن کارساز بوده است. ایالات متحده این استراتژی را برای سایر کشورهای بزرگی که مایل به رقصيدن با آهنگ ایالات متحده نیستند، ادامه خواهد داد (Global times, 2022).

با تداوم جنگ اوکراین و پیامدهای آن از قبیل ایجاد بحران انرژی در کشورهای اروپایی و بروز ناآرامی‌ها و آشوب‌های اجتماعی در شهرها، مقامات و سران اروپا لحن و بیان دیپلماتیک را کنار گذاشته و آشکارا واشنگتن را متهم می‌کنند که از تداوم جنگ در اوکراین سود می‌برد و ضررهای آن بر کشورهای اروپایی تحمیل می‌شود؛ اعتراض و احساس شکست سران اروپا در جنگ اوکراین، ناآگاهانه موضوع و معضل بنیادی‌تری را عیان می‌کند؛ وابستگی ساختاری و حکمرانی به آمریکا (معصومی، ۱۴۰۱). امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه در اعتراض به همین شرایط گفته که

قیمت‌هایی که آمریکا بر گاز فروشی به اروپا اعمال می‌کند، «غیردوستانه» است. وی در مصاحبه با شبکه سی بی اس در ادامه انتقادهای خود از آمریکا، به موضوع قطع صادرات گاز روسیه به کشورهای اروپایی و سودجویی این کشور از این وضعیت پرداخت و گفت: «اروپا اکنون گاز بیشتری از آمریکا خریداری می‌کند ولی به قیمتی ۶ برابر مصرف‌کنندگان آمریکایی؛ آن هم در زمانی که تورم و بیکاری در فرانسه حدود ۷ درصد است. مکرون تأکید کرد که آمریکا و فرانسه در جنگ اوکراین در یک اردو قرار دارند و برای ارزش‌های مشترک درگیر آن شده‌اند در صورتی که هزینه این جنگ در اروپا و آمریکا برابر نیست» (CBC NEWS, 2022).

۴-۲- تضعیف روسیه

یکی از اهداف آمریکا از جنگ اوکراین تضعیف روسیه است. «الگوی رفتاری روسیه در منطقه پیرامونی خویش که همواره آن را حیاط خلوت خود قلمداد کرده است، حکایت از این واقعیت تاریخی دارد که روسیه با رهبری پوتین برای غلبه بر بحران هویتی که همواره پس از جنگ سرد با آن مواجه بوده - یعنی نزاع بین هویت شرقی یا غربی - و به منظور احیای امپراتوری روسی، با کمک درآمدهای نفت و گاز، در پی بیشینه‌سازی قدرت خود و تثبیت جایگاه روسیه در عرصه بین‌المللی به عنوان یک قدرت بزرگ و در عرصه منطقه‌ای به عنوان یک هژمون منطقه‌ای است. موضوعی که در متون و دکترین جدید روسیه و در متون و اظهارات رسمی مقامات دولتی و نظریه پردازان روسی و به ویژه پوتین و لاووف به عنوان وزیر امور خارجه بارها به صراحت مورد تأکید قرار گرفته است.» (کریمی فرد و روحی دهینه، ۱۳۹۳: ۵۵۳). آمریکا سال‌هاست که نگران حضور قوی روسیه در صحنه اقتصادی و سیاسی منطقه پیرامونی است و تلاش برای تضعیف آن کشور در دستور کار آمریکاست. بورگر با اشاره به اظهارات اخیر مقامات آمریکا مبنی بر تمرکز بر تضعیف روسیه، در تحلیلی در روزنامه گاردین نوشته است: «اظهارات لوید آستین، وزیر دفاع آمریکا مبنی بر اینکه واشنگتن می‌خواهد روسیه از نظر نظامی ضعیف شده و به این زودی‌ها تجدید قوا نکند، نشان‌دهنده تغییر هدف اصلی آمریکا در حمایت از اوکراین است». این روزنامه در تحلیل خود اشاره می‌کند؛ پس از بازدید غیرمنتظره لوید آستین، وزیر دفاع آمریکا، از اوکراین، در یک کنفرانس مطبوعاتی در لهستان از او سؤال شد که آیا اکنون اهداف ایالات متحده را متفاوت از اهدافی که بلافاصله پس از تهاجم روسیه تعیین شده بود، تعریف می‌کند؟ آستین در پاسخ، به کمک به اوکراین برای حفظ

حاکمیت و دفاع از خاک اشاره و سپس به هدف دوم که می‌تواند هدف اصلی آمریکا باشد اشاره کرد: «ما می‌خواهیم روسیه را در حدی ضعیف ببینیم که نتواند کارهایی را انجام دهد که در حمله به او کراین انجام داده است». این بدان معناست که روسیه نباید «توانایی بازتولید سریع» نیروها و تجهیزاتی را که در اوکراین از دست داده بودند، داشته باشد» (Borger, 2022). البته تضعیف روسیه به این صورتی که مقامات آمریکا به آن تاکید می‌کنند، می‌تواند در تکمیل هدف قبلی آمریکا مبنی بر حفظ تعادل ژئوپلیتیک در اروپا نیز تأثیرگذار باشد.

حمله روسیه به اوکراین این فرصت را به آمریکا داد تا با استفاده از ابزار تحریم، نسبت به تضعیف اقتصاد روسیه اقدام کند. آمریکا به منظور دستیابی به اهدافی خاص در سیاست خارجی، به طور فزاینده‌ای از سیاست تحریم اقتصادی استفاده کرده است. آمریکا تحریم‌های اقتصادی را به طور یک‌جانبه یا از طریق نفوذ در شورای امنیت سازمان ملل بر کشورهای که با اهداف و امیال او چالش دارند، تحمیل می‌کند (Huntington, 1999: 35-49).

با آغاز حمله روسیه به اوکراین، آمریکا و غرب با هدف تضعیف روسیه، تحریم‌های زیادی از جمله تحریم‌هایی در زمینه امور مالی، انرژی و حمل‌ونقل و همچنین محدودیت‌های تجاری و فردی را اعمال کردند تا روسیه بهای اقتصادی سنگینی را بپردازد. بهانه این تحریم‌ها جنگ با اوکراین بود. در واقع موضع کشورهای غرب از نظر تحریم‌ها شکل مقاومت چندبعدی^۱ گرفت که روس‌ها انتظار چنین پاسخی را نداشتند (Hossain & Rubel, 2022).

از زمان حمله روسیه به اوکراین در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲، بیش از ۱۱۰۰۰ محدودیت تحریمی جدید برای افراد، شرکت‌ها، محصولات و فناوری‌های روسی اعمال شده است. ایالات متحده به تنهایی حدود ۲۶۰۰ نفر روسی، بلاروسی و اوکراینی را به دلیل مشارکت یا حمایت از جنگ تحریم کرده است. کنترل صادرات توسط متحدان غربی یکی از موفقیت‌های رژیم تحریم‌ها بوده است. عدم صادرات فناوری حساس تولید شده توسط غرب به روسیه عمدتاً بخش‌های دفاعی، هوانوردی و دریایی روسیه را هدف قرار داده است و منجر به کاهش چشمگیر برخی از این صنایع شده است. ساخت هواپیما در سال ۲۰۲۲ حدود ۲۵ درصد کاهش یافت و به پایین‌ترین سطح از سال ۲۰۰۸ رسید. در نتیجه خروج خودروسازان بزرگ خارجی پس از اعمال تحریم‌ها و کنترل صادرات، تولید

1. Multidimensional resistance

خودروهای سواری روسیه در سه ماهه سوم سال ۲۰۲۲ حدود ۵۰ درصد کاهش یافت. صنعت داروسازی نیز به طور قابل توجهی تحت تاثیر تحریم‌ها قرار گرفته است و نزدیک به ۸۰ درصد از تولیدات داخلی به مواد اولیه وارداتی وابسته است. در طول سال ۲۰۲۲، روسیه به طور مداوم با کمبود انواع مختلف تجهیزات پزشکی، از جمله برخی داروهای مهم و حیاتی مواجه بود (نوری، ۱۴۰۲).

پس از اعمال تحریم نفتی و سقف قیمتی، قیمت نفت خام اورال کاهش بیشتری را آغاز کرد و روبل (که ارتباط تنگاتنگی با نفت روسیه دارد) نیز شروع به تضعیف کرد. در ماه دسامبر، ارزش نفت خام اورال تقریباً ۳۰ درصد کاهش یافت، زیرا تخفیف قیمت آن در مقایسه با نفت خام برنت به تقریباً ۴۰ درصد افزایش یافت. ماه اول تحریم و سقف قیمت نفت برای مسکو حدود ۱۶۰ میلیون یورو (۱۷۲ میلیون دلار) در روز هزینه داشت یا حدود ۱۷ درصد کاهش در درآمد روسیه از صادرات سوخت فسیلی. این امر درآمدهای انرژی کشور را به پایین ترین سطح از آگوست ۲۰۲۰ رساند. به دنبال آن کاهش سریع درآمدهای مالیاتی نفت و گاز در اوایل سال ۲۰۲۳ رخ داد که منجر به بزرگترین کسری بودجه از زمان بحران سال ۱۹۹۸ شد (نوری، ۱۴۰۲).

در واقع طولانی شدن این جنگ با توجه به هدف گذاری برخی از کشورهای غربی از جمله آمریکا و انگلیس این امیدواری را در بین آن‌ها تقویت می‌کند که آن‌ها به هدف خود یعنی تضعیف روسیه دسترسی بیشتر و زودتری خواهند داشت و در واقع خواست و هدف غرب برای اینکه روسیه جایگاه خود را در عرصه بین‌المللی از دست بدهد، محقق می‌شود.

گلوبال تایمز در ۳۰ آوریل ۲۰۲۲ در تحلیلی نوشت: «با گفتن اینکه آمریکا می‌خواهد روسیه را ضعیف ببیند، نیت واقعی آمریکا آشکار شد. این هرگز یک درگیری فقط بین اوکراین و روسیه نبود، بلکه یک جنگ نیابتی بین واشنگتن و مسکو است. گرچه سخن گفتن از جنگ نیابتی اغراق آمیز می‌باشد اما این سخن نشان‌دهنده موضع و تلاش آمریکا برای تضعیف روسیه است. در این تحلیل به نقل از بلومبرگ اشاره می‌شود که بایدن با فریب ویزا به دنبال ربودن دانشمندان برجسته پوتین است. اما آیا کار خواهد کرد؟ بر اساس این گزارش، در میان آخرین درخواست تکمیلی کاخ سفید از کنگره آمریکا، پیشنهادی برای کنار گذاشتن این قانون وجود دارد که متخصصان روسی متقاضی ویزای مبنی بر اشتغال باید کارفرمای فعلی داشته باشند. هدف این است که «استعدادهای روسی با تجربه در زمینه نیمه هادی‌ها، فناوری فضایی، امنیت سایبری، ساخت پیشرفته، محاسبات

پیشرفته، مهندسی هسته‌ای، هوش مصنوعی، فناوری‌های رانش موشک و سایر زمینه‌های علمی تخصصی به ایالات متحده بروند» بلومبرگ به نقل از سخنگوی شورای امنیت ملی گزارش می‌دهد که این تلاش برای تضعیف منابع فناوری پیشرفته و پایه نوآوری روسیه است. در این تحلیل اشاره می‌شود که ایالات متحده ابزار دیگری را برای تضعیف روسیه انتخاب کرده است، روند فرار مغزها در روسیه موجب خواهد شد آن کشور بدون دانشمندان و مهندسان درجه یک و همچنین پایگاه نوآوری با فناوری پیشرفته، به احتمال زیاد ستون اصلی خود را در توسعه اقتصادی و نظامی از دست بدهد. شن‌بی، استاد دانشگاه فودان، در این زمینه معتقد است؛ ایالات متحده می‌تواند ظرفیت توسعه روسیه را از درون به پایان برساند، درست مانند جنگ بر سر استعداد بین ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی سابق در طول جنگ سرد» (Global times, 2022).

آمریکا برای حفظ هژمونی خود و تضعیف قدرت نظامی روسیه در اوکراین، توجه خاصی به ناتو دارد. با فروپاشی شوروی و انحلال ورشو آمریکا به تجدید ساختار ناتو به عنوان بخشی از راهبرد هژمونی طلبی خود در راستای گسترش فرهنگ آمریکایی توجه نشان داد. در این راستا کارکردهای جدید و اهداف متنوعی مانند تغییر در مأموریت‌ها و ایجاد وسعت سرزمینی را تعریف نمود. چون آمریکا می‌خواهد قسمتی از مأموریت تضعیف روسیه را به اروپا واگذار نماید چه بهتر که از ظرفیت اروپاییان در ناتو بهره‌برد. در واقع ناتو ابزار مدیریت نظامی آمریکا در اروپا بوده است. حمله به اوکراین ترسی سهمگین بر اروپا مستولی نمود. آنان ترغیب شدند تا طرحی نو دراندازند که همانا نیروی نظامی و تقویت بنیه نظامی اروپا به دو صورت مستقل یا هماهنگ با ناتو بود و این همان چیزی بود که مورد پسند آمریکا قرار گرفت. پوست‌اندازی ناتو منجر به همبستگی این اتحاد نظامی گردید. افزایش نیروهای دفاعی ناتو در شرق، ارسال تجهیزات نظامی به کشورهای شرق اروپا، موضوع عضویت اعضای جدید فنلاند و سوئد در ناتو اقدامات جدید ناتو بود. دبیر کل ناتو با اشاره به افزایش تعداد نیروهای واکنش سریع این پیمان از ۴۰ هزار به ۳۰۰ هزار نفر در آینده اعلام نمود که ناتو به بزرگ‌ترین سازماندهی مجدد خود از زمان جنگ سرد رسیده است. مداخله و حمایت تسلیحاتی ناتو از اوکراین است که اوج‌گیری جنگ را بالا برده و آن را طولانی نموده است (Bayer, 2022). اگرچه آمار دقیقی از تلفات در جنگ اوکراین ارائه نشده است، اما نیویورک تایمز به قلم کوپر و همکاران وی اشاره می‌کند که مقامات آمریکایی تعداد کل نیروهای اوکراینی و روسیه که از

زمان آغاز جنگ در اوكرين در ۱۸ ماه پيش كشته يا زخمى شده‌اند را به ۵۰۰۰۰۰ نفر اعلام کرده اند. به گفته مقامات، تلفات نظامى روسيه به ۳۰۰۰۰۰ نفر مى رسد. اين تعداد شامل ۱۲۰۰۰۰ كشته و ۱۷۰۰۰۰ تا ۱۸۰۰۰۰ سرباز مجروح است. و ميزان تلفات نزديك اوكرين ۷۰۰۰۰ كشته و ۱۰۰۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰۰ مجروح بوده است (Cooper et al, 2023)، در کنار تلفات انساني، انهدام تجهيزات نظامى روسيه در جنگ اوكرين بر توان نظامى روسيه تأثير جدى خواهد گذاشت و اين همان خواسته آمريكا از ادامه جنگ است تا با فرسايشى و ادامه دار بودن جنگ، توان نظامى روسيه تضعيف شود.

۳-۴- تأمین منافع اقتصادى مجتمعاتى نظامى - صنعتى

سى رايت ميلز^۱ از نخستين كسانى بود كه در كتاب «برگزیدگان قدرتمند» كه در سال ۱۹۵۶ انتشار يافت از نقش اين مجتمعاتى ها در جامعه و نظام سياسى آمريكا سخن گفت. وى با بررسى دقيق رابطه سازمان‌هاى اجرايى با صاحبان صنايع بزرگ و تحليل اثرات اين رابطه تنگاتنگ بر فرآيند نظامى شدن اقتصاد و جامعه آمريكا به اين نتيجه رسيد كه جبهه‌گيرى مشترك برگزیدگان قدرتمند دستگاه نظامى و اقتصادى، نظام سياسى آمريكا را شديداً تهديد به نابودى مى كند. ميلز معتقد بود توسعه‌اى كه منجر به تشديد نظامى شدن اقتصاد سرمايه‌دارى آمريكا شده، از طريق پيوند منافع برگزیدگان قدرتمند بخش‌هاى صنايع و اقتصاد با بخش نظامى به وجود آمده است (مدرس و همكاران، ۱۳۹۵: ۱۸۹). بنا بر اين به نظر ميلز «تشديد روابط خصوصى بين نظاميان و گروه‌هاى قدرتمند و ذى نفوذ اقتصادى تنها به معنى تسريع و آسان ساختن زمينه عقد قراردادهای يك طرفه و سوداندوزى بيشتر نيست، بلكه اين روابط، مشخصات ساختارهاى جامعه سرمايه‌دارى آمريكا را نيز به نمايش مى گذارد» وى اضافه مى كند «در پس افزايش روزافزون بودجه ايالات متحده آمريكا و تغييراتى كه تحت تأثير اين عامل در رهبرى سياسى - اقتصادى اين كشور صورت مى گيرد، تحولى بنيادين در نظام سرمايه‌دارى معاصر آمريكا به سوى يك اقتصاد مستمر جنگى نهفته است» (Mills, 1954: 238).

هارتونگ^۲ در گزارشى در انديشكده كوئينسى در خصوص منافع مجتمعاتى نظامى و صنعتى آمريكا در جنگ اوكرين مى نويسد؛ «تحولات اخير در چهارچوب «جنگ اوكرين»، جدای از اينكه رنج و آسيب‌هاى فراوانى را براى مردم و افراد غيرنظامى ايجاد کرده، موجب افزايش قابل توجه

1. Charles Wright Mills

2. Hartung

هزینه کرده‌های نظامی آمریکا و اتحادیه اروپا نیز شده است. اگرچه جنگ اوکراین به زعم بسیاری یک تراژدی قابل توجه در عرصه روابط بین‌الملل است با این حال، یک گروه هستند که نه تنها از این جنگ منفعت زیادی می‌برند بلکه حتی خواهان تداوم یافتن آن نیز هستند. این گروه همان «پیمانکاران و شرکت‌های تسلیحاتی ایالات متحده آمریکا» هستند. حتی پیش از اینکه جنگ اوکراین آغاز شود، بسیاری از شرکت‌های تسلیحاتی بزرگ آمریکا، مباحث گسترده‌ای را با محوریت این مسأله به راه انداخته بودند که تا چه اندازه اوج‌گیری تنش‌ها در قاره اروپا می‌تواند تضمین‌کننده تامین منافع اقتصادی آن‌ها باشند. در این راستا، گرگ هیز، رئیس شرکت آمریکایی ریتان تکنالوجیز^۱ تأکید داشت که چشم‌انداز وقوع درگیری و منازعات در شرق اروپا و دیگر مناطق جهان می‌تواند آورده اقتصادی بسیار خوبی برای این شرکت داشته باشد. وی همچنین در این رابطه می‌گوید: «ما فرصت‌هایی را جهت فروش بین‌المللی تسلیحات تولیدی خود پیش چشم‌هایمان می‌بینیم... تنش‌ها در شرق اوکراین، تنش‌ها در دریای چین جنوبی، و دیگر تنش‌های مشابه، همه و همه موجب می‌شوند تا بودجه‌های نظامی در جهان بالا روند. از این منظر، من کاملاً انتظار دارم که حدی از مزایا و منافع این قضیه نصیب شرکت ما نیز شود» (Hartung, 2022).

از سال ۲۰۱۴ (اسفند ۱۳۹۲) که شبه جزیره کریمه از خاک اوکراین جدا و به روسیه ملحق شده، دولت آمریکا در راستای منافع شرکت‌های تسلیحاتی آمریکایی گام برداشته است. از سویی، از زمان آغاز جنگ اوکراین تاکنون نیز دولت بایدن مبلغی بالغ بر ۵ میلیارد دلار را در قالب کمک‌های امنیتی به دولت اوکراین اعطا کرده که بیش از ۳.۲ میلیارد دلار آن در قالب کمک‌های نظامی به دولت اوکراین اعطا شده که در این رابطه نیز برنده اصلی، شرکت‌های تسلیحاتی و مجتمع‌های نظامی - صنعتی آمریکایی بوده‌اند (Hartung, 2022). قابل ذکر است که کمک‌های نظامی به اوکراین فقط منحصر به آمریکا نبوده است و سایر کشورهای غربی نیز در این زمینه پیشگام بوده‌اند، اما میزان این کمک‌ها اختلاف فاحشی دارند. به طوری که از بهمن ۱۴۰۰ تا مرداد ۱۴۰۱ آمریکا با اختصاص ۲۵ میلیارد دلار کمک نظامی به اوکراین در رتبه نخست قرار داشت و پس از آن کشورهای بریتانیا، لهستان، آلمان، کانادا، چک، لیتوانی، استرالیا، استونی و فرانسه بوده‌اند (Bochholz, 2022). به طور کلی واشنگتن از زمان آغاز جنگ میان روسیه و اوکراین، حدود ۶۸

1. Raytheon Technologies

مليارد دلار به کي يف کمک مالي اختصاص داده است. کمک های مالي آمريکا به اوکراين به اشکال مختلف ارائه می شود. بخشی از اين بودجه صرف کمک های نظامی مانند ارائه تسليحات و تجهيزات نظامی، آموزش پرسنل نظامی اوکراين و به اشتراک گذاری اطلاعات می شود. بخش ديگر اين بودجه، مستقیماً در اختيار دولت کي يف قرار می گيرد تا بتواند فعاليت و خدمات خود را در ميان بحران اقتصادی اوکراين حفظ کند و بخشی از اين کمک ها نیز به عمليات های دولت آمريکا مربوط به بحران اوکراين اختصاص می يابد و ظاهراً مقداری بودجه نیز صرف مسائل بشردوستانه می شود (خبيرگزاری جمهوری اسلامی ايران، ۱۴۰۱/۱۰/۱۴). «فعاليت اقتصادی مجتمع های نظامی - صنعتی در جامعه آمريکا به دو طريق انجام می شود. از يک سو اين مجتمع ها به عنوان محرک اقتصاد آمريکا عمل می کنند و زمانی که اقتصاد دچار رکود می شود، دولت سعی می کند با حمايت از مجتمع ها به افزايش فروش آن ها کمک کند که اين کار باعث اشتغالزایی و کسب سرمايه می شود. از سوی ديگر، هدف اصلی مجتمع های نظامی - صنعتی کسب سود اقتصادی و افزايش ميزان فروش و کسب درآمد است. به همين خاطر سعی می کنند با انعقاد قراردادهای بزرگ و متعدد با پنتاگون، شرايط کسب سود را مهيا کنند. در جامعه آمريکا ۸۵ هزار مجتمع نظامی - صنعتی وجود دارد که باعث اشتغالزایی گسترده شده اند. بررسی ها نشان می دهد که فقط در ۲۵ مجتمع بزرگ نظامی - صنعتی در آمريکا بيش از دو ميليون نفر به صورت مستقيم مشغول به کار هستند» (يزدان پناه، ۱۳۹۲؛ مدرس و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۹۳).

تولسی گابارد عضو سابق مجلس نمايندگان آمريکا و از نامزدهای حزب دموکرات در مرحله مقدماتی انتخابات رياست جمهوری ۲۰۲۰ معتقد است؛ صنايع نظامی و اسلحه سازی، کنترل دولت بايدن را در اختيار دارند. جنگ طلبان از هر دو حزب دموکرات و جمهوری خواه در آتش اين بحران می دمند؛ چرا که به اين ترتيب، صنايع تسليحاتی می توانند به مراتب بيشتر از آنچه در جريان مبارزه (ادعایی) با القاعده عايدشان شد، از جنگ روسيه و اوکراين عايدی داشته باشند و هزینه همه اين ها را مردم اوکراين با (آوارگی) و مردم روسيه (با تحريم) می پردازند (Gabbard, 2022).

پس از آغاز اقدام نظامی روسيه در اوکراين و ارسال تسليحات آمريکايی و اروپايی به کي يف، تقاضا برای عرضه و توليد تسليحات نیز بيشتر شده است. حتی پنتاگون برای سرعت بخشيدن به روند تاييد فروش و انتقال اقلام تسليحاتی توليد شده از سوی شرکت های آمريکايی طرف قرارداد با

وزارت دفاع این کشور، تیمی ویژه را برای پاسخگویی به درخواست‌ها ایجاد کرده است. همین عامل مهم است که در تابستان امسال مدیر عامل شرکت لاکهید مارتین^۱ که بزرگ‌ترین پیمانکار صنایع جنگ‌افزاری جهان به‌شمار می‌آید، از برنامه دو برابر شدن تولید موشک‌های ضد تانک جاولین خیرداد (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۱) از زمان جنگ اوکراین، سهام شرکت‌های آمریکایی افزایش چشمگیری داشت. ارزش سهام لاکهید مارتین به عنوان شرکت آمریکایی سازنده جنگ‌افزار، به ۲۳ درصد رسید. این در حالی است که رشد تولید شرکت نورثروپ گرامن^۲ هم که سومین شرکت صنایع دفاعی جهان و مستقر در آمریکاست، از زمان آغاز جنگ اوکراین به ۲۶ درصد رسید. میزان رشد سهام آیروویرونمنت^۳، ۸۶ درصد رشد داشت (Mishra, 2022) و انتظار می‌رود با فرسایشی شدن جنگ، این سودها افزایش بیشتری یابد.

آمریکا و متحدان، جنگ اوکراین را فرصت مناسبی می‌دانند تا با تحمیل هزینه‌هایی سخت بر روسیه، منابع این کشور مصرف گردد و روسیه جایگاه بین‌المللی خود را که با افزایش فروش منابع انرژی کسب نموده بود از دست بدهد. به عبارت دیگر، آن‌ها تلاش می‌کنند تا با گل‌آلود نمودن آب این جنگ، خیال خود را از جانب تهدیدات احتمالی روسیه آسوده کنند. استراتژی آمریکا و اروپا مدیریت یک جنگ طولانی مدت است و سیاست آن‌ها سیاست مقابله است نه پایان دادن به جنگ. بر اساس این استراتژی، در حالی که آمریکا و اروپا از دخالت مستقیم نظامی پرهیز می‌کنند، به ارائه تسلیحات مورد نیاز اوکراین (همراه با اطلاعات و آموزش مرتبط) ادامه می‌دهند تا بتوانند اقدامات نظامی روسیه را ناکام و از کنترل بیشتر در قلمرو اوکراین جلوگیری کنند. آن‌ها از هدف اوکراین برای بازگرداندن تمامیت ارضی کامل خود از طریق سیاست تحریم و دیپلماسی حمایت می‌کنند و در عین حال از به رسمیت شناختن هر سرزمینی که پوتین تلاش می‌کند تا آن را بخشی از روسیه کند، خودداری می‌کنند.

به نظر می‌رسد آمریکا به رغم شعارهای خود درباره لزوم پایان دادن به جنگ اوکراین اما در عمل رویکرد تعمیق و گسترش این جنگ را با ارسال کمک‌های نظامی و تسلیحاتی به اوکراین در پیش گرفته و در چنین شرایطی نه تنها آتش جنگ فروکش نخواهد شد، بلکه بر دامنه آن افزوده

1. Lockheed Martin
2. Northrop Grumman
3. Aerovironment

شده و روسيه را براي درگيري بيشتر مصمم خواهد کرد که همچنان که اشاره شد هدف آمريکا هم بر اين است که با فرسايشي کردن جنگ، روسيه را هر چه بيشتر تضعيف نموده و براي تحقق اين هدف اروپا را با خود همراه ساخته و به دليل مشکلاتي که از جنگ اوکراين متوجه اروپا شده، دنباله روي از سياست‌هاي آمريکا براي برون رفت از اين مشکلات، اروپا را بيش از گذشته به آمريکا وابسته خواهد کرد.

نتيجه گيري

اوکراين با توجه به موقعيت ژئوپليتيکي که دارد، صحنه رويارويي قدرت‌هاي بزرگ منطقه‌اي و فرامنطقه‌اي پس از فروپاشي شوروي و به ويژه در آغاز قرن بيست و يکم بوده است. جنگ روسيه با اوکراين که از ۲۴ فوريه ۲۰۲۲ شروع شده، به صورت روزافزوني روابط بين‌الملل را تحت‌الشعاع قرار داده است. رويارويي آمريکا و روسيه به‌عنوان دو رقيب ديرينه و صف‌آرایی بسياري از کشورهاي اروپايي در مقابل روسيه، و اصرار پوتين بر مشروعيت اقدامات خود، عرصه جهاني را متاثر ساخته است. بسياري از ناظران و تحليل‌گران بر اين باورند که جنگ تأثير عميقي بر سياست جهاني خواهد داشت. آن چيزي که در اين جنگ مشهود است رويارويي آمريکا و روسيه است که پس از فروپاشي شوروي به شکل‌هاي مختلفی اين رويارويي بروز و ظهور يافته است. روسيه تلاش کرده از طريق راه‌اندازي اتحاديه اوراسيا، جمهوري‌هاي سابق شوري را در قالبی جديد به همکاري اقتصادي با روسيه جلب کرده و نفوذ خود را در آن کشورها حفظ کند. يکي از مهم‌ترين اين کشورها که روسيه به‌عنوان سنگرگاه در برابر ناتو به آن نگاه می‌کند، اوکراين است. در مقابل، آمريکا در جهت رسيدن به اهداف خود يعني مهار روسيه، در قالب ناتو و با شعارهاي همچون گسترش دموکراسي، صلح و امنيت براي کشورهاي اروپاي مرکزي، شرقي و حوزه بالکان، سعی در گسترش ناتو به شرق و رساندن حوزه نفوذ خود به مرزهاي روسيه دارد.

ناتو و در راس آن آمريکا با حمايت از اوکراين در اين جنگ تلاش می‌کنند تا روسيه را تضعيف نمايند. روسيه در دهه‌هاي اخير با سياست‌هايی که پوتين پيگيري کرده است، در حوزه‌هاي نظامي و اقتصادي و تأثيرگذاري در تحولات مهم نظام بين‌الملل موفقيت‌هايی داشته است و اين امر براي ايالات‌متحده آمريکا که تلاش نموده از قدرت گرفتن هژمون‌هاي منطقه‌اي ممانعت نمايد،

تهدیدی جدی است. بنابراین آن کشور تلاش می‌نماید روسیه را به بهانه‌های مختلف و با به کارگیری ابزارهای سیاسی و اقتصادی تضعیف نماید. در شرایط فعلی این مهم در جنگ اوکراین محقق می‌شود. اگر چه روسیه وانمود می‌کند که تمهیدات لازم را برای مقابله با تحریم‌های اقتصادی آمریکا و اروپا اتخاذ کرده ولی طبیعی است تحریم‌ها تاثیر خود را بر اقتصاد روسیه گذاشته و خواهد گذاشت و در کنار آن از دست دادن تجهیزات نظامی در جنگی که پیش‌بینی نمی‌شد این مدت طول بکشد موجب خواهد شد روسیه برای رسیدن به وضعیت اقتصادی و نظامی قبل از آغاز جنگ چندین سال تلاش نماید.

آمریکا برای حفظ نظم موجود، مهار رقبای قدرتمند و قدرت‌های نوظهور و همچنین بازدارندگی در مقابل آنان، سعی دارد استراتژی تعادل و توازن ژئوپلیتیک را پیاده سازی کند. جلوگیری از فعالیت ژئوپلیتیکی کارآمد و پویای قدرت‌هایی همچون اتحادیه اروپا در راستای دسترسی به حوزه و یا حوزه‌های ژئواستراتژیک جهانی و دستیابی به جهانی چند قطبی؛ سیاست آمریکا در قبال این واحدهای سیاسی است. بنابراین درگیری اجباری و ناخواسته اروپا در جنگ اوکراین با استراتژی‌های سیاسی ساختگی پنهان آمریکا و سپس تحمیل آن به این اتحادیه موجب ضعف ژئوپلیتیکی در ابعاد منابع، وابستگی امنیتی، تضعیف سیاسی و هزینه‌های مضاعف نظامی برای اتحادیه اروپا خواهد شد.

همچنین ایالات متحده آمریکا به خاطر جامعه متکثر خود گروه‌های ذی نفوذ زیادی دارد که همواره به دنبال تأثیرگذاری بر روند تصمیم‌گیری در سیاست بوده‌اند، یکی از این گروه‌ها مجتمع‌های صنعتی- نظامی است که بعد از جنگ جهانی دوم نقش آن در سیاست خارجی آمریکا بیشتر شده است. نفوذ مجتمع‌های نظامی- صنعتی در نهادهای مرتبط با سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا باعث هدایت سیاست خارجی این کشور به سمت مداخله‌گرایی و جنگ شده که تامین منافع این مجتمع‌ها با توجه به نفوذی که در سیاست خارجی آمریکا دارند، می‌تواند به‌عنوان یکی دیگر از اهداف آمریکا در جنگ اوکراین قلمداد گردد.

منابع

- برژنيسكى، ژينگيو. (۱۳۸۵). پس از سقوط، بازی نهایی در جهان تک قطبی. ترجمه امیرحسین توکلی، تهران، انتشارات سبزان.
- بهمن، شعیب. (۱۳۹۴). تاثیر بحران اوکراین بر روابط روسیه و آمریکا. فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، ۱۵(۶۱)، ۳۰-۱.
- بیژن، عارف. (۱۴۰۰/۱۲/۷). زمینه‌ها و ابعاد حمله روسیه به اوکراین. مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- جعفری، علی اکبر؛ دادپناه، محمد. (۱۳۹۵). ناتوی عربی و مهار نفوذ ایران در منطقه غرب آسیا در چارچوب تئوری رئالیسم تهاجمی (استراتژی احاله مسئولیت). فصلنامه جریان شناسی دینی معرفتی در عرصه بین الملل، ۱۱(۱)، ۱۷۸-۱۵۵.
- خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران. (۱۴۰۱/۱۰/۱۴). آمریکا: به ارائه کمک‌های نظامی اوکراین ادامه خواهیم داد. قابل دسترسی در: <https://www.irna.ir/news/84989594/>
- سراج، رضا. (۱۴۰۰/۱۲/۱۵). جنگ اوکراین و تعادل ژئوپلیتیک. مشرق نیوز: <https://www.mashreghnews.ir/news/1348378>
- صفری، عسگر؛ وثوقی، سعید. (۱۳۹۵). ژئوپلیتیک اوکراین و نقش آن در رقابت روسیه و ایالات متحده آمریکا. فصلنامه تحقیقات سیاسی بین المللی، ۲۶(۲)، ۱۳۸-۱۱۱.
- دانش نیا، فرهاد؛ مارایی، مهري. (۱۳۹۵). تقابل سازه انگارانه آمریکا و روسیه در اوکراین. فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، ۹(۲)، ۱۳۹-۱۲۱.
- رستمی، محسن؛ زینلی بادی، حسین. (۱۴۰۰). بررسی اهمیت استراتژیک اوکراین برای اروپا و آمریکا. فصلنامه دانش نامه علوم سیاسی، ۲(۴)، ۱۴۸-۱۲۸.
- زمانی، ناصر. (۱۳۹۲). تحلیل ریشه‌ها و ماهیت بحران اوکراین: تشدید تنش شبه جنگ سرد بین روسیه و غرب. فصلنامه سیاست خارجی، ۲۷(۴)، ۹۱۸-۸۸۹.
- کتاب سبز روسیه. (۱۳۸۸). تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- کریمی فرد، حسین؛ روحی دهینه، مجید. (۱۳۹۳). بیشینه سازی قدرت روسیه در قبال بحران اوکراین. فصلنامه سیاست خارجی، ۲۸(۳)، ۵۷۷-۵۵۱.
- گریفتس، مارتین. (۱۳۹۳). نظریه روابط بین الملل برای سده بیست و یکم. ترجمه: علیرضا طیب، تهران، نشر نی.
- مدرس، محمدولی؛ خلیلی، رضا؛ عطائزاد، حبیب. (۱۳۹۶). نقش مجتمع های نظامی - صنعتی در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا. فصلنامه پژوهش های روابط بین الملل، ۱(۲۴)، ۲۱۴-۱۸۵.
- مرشایمر، جان. (۱۳۸۸). تراژدی سیاست و قدرت‌های بزرگ. ترجمه غلامعلی چگنی زاده، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

- مشرق نیوز. (۱۴۰۱/۰۸/۲۵). جنگ روسیه و اوکراین، قابل دسترسی در:
<https://www.mashreghnews.ir/page/archive>
- معصومی، جواد. (۱۴۰۱/۱۰/۱۰). وابستگی حکمرانی؛ آینده ناروشن اروپا، قابل دسترسی در:
<https://www.mehrnews.com/news/۵۶۶۹۱۰۴>
- نقدی نژاد، حسن؛ سوری، امیر محمد. (۱۳۸۷). رقابت روسیه و آمریکا در اوراسیا. فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، (۶۲)، ۱۷۱-۱۵۵.
- نوری چورتی، مهدی. (۱۴۰۲). تاثیر تحریم‌های غرب بر روسیه در دوران جنگ با اوکراین (بخش اول). موسسه مطالعات ایران و اوراسیا، آخرین تاریخ به روز رسانی ۱۴۰۲/۸/۱۴:
<https://www.iras.ir>
- نوری چورتی، مهدی. (۱۴۰۲). تاثیر تحریم‌های غرب بر روسیه در دوران جنگ با اوکراین (بخش دوم). موسسه مطالعات ایران و اوراسیا، آخرین تاریخ به روز رسانی ۱۴۰۲/۸/۱۵:
<https://www.iras.ir>
- نونزاد، محمد؛ کریمی، مرتضی. (۱۳۹۷). تقابل روسیه و آمریکا در اوکراین و تأثیر آن بر منافع ملی ایران. فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، ۱۱(۴۱)، ۱۷۵-۱۴۵
- یزدان پناه، محمد. (۱۳۹۲). اقتصاد، توانمندی نظامی به بهای ناتوانی اقتصادی، فیلو جامعه شناسی. بازیابی شده در:
<http://www.philosociology.ir/daily-articles/2868-1392-09-21-15-17-25html>
- یورونیوز. (۲۰۲۲). چرا اوکراین برای اتحادیه اروپا مهم است. قابل دسترسی در:
<https://www.parsi.prod.euronews.com/۲۴/۰۱/۲۰۲۲/why-does-ukraine-matter-eu>
- Bayer, L. (2022). NATO will increase high-readiness force to 'well over' 300,000 troops. June 27, 2022 at: <https://www.politico.eu/article/nato-increase-high-readiness-force-300000>
- Brzezinski, Z. (1994). The Premature Partnership. *Foreign Affairs* 73, no. 2 (March/April 1994), p. 80.
- Bill, James A. (2001). The Politics of Hegemony: The United States and Iran. *Middle East Policy*, Vol. VIII, No. 3. September.
- Blum, W. (2014). The Myth of Soviet Expansionism. *Foreign Policy Journal*
- Bochholz, K. (2022). *Where Military Aid to Ukraine Comes From*. nov 10, at: <https://www.statista.com/chart/27278/military-aid-to-ukraine-by-country>
- Borger, J. (2022). Pentagon chief's Russia remarks show shift in US's declared aims in Ukraine. at: <https://www.theguardian.com/world/2022/apr/25/russia-weakendend-lloyd-austin-ukraine>
- CBS NEWS. (2022). French President Emmanuel Macron, seeking re-sync of U.S.-French relations, says trade concerns are "fixable" at: <https://www.cbsnews.com/news/france-president-emmanuel-macron-us-relations-60-minutes-2022-12-04>
- Cooper, H., Gibbons, T., Schmitt, E., Barnes, J. (2023). *Troop Deaths and Injuries in Ukraine War Near 500,000*. At: <https://www.nytimes.com/2023/08/18/us/politics/ukraine-russia-war-casualties.html>
- Hartung, D. William. (2022). How Pentagon Contractors Are Cashing in on the Ukraine Crisis. at: <https://quincyinst.org/2022/04/17/how-pentagon-contractors-are-cashing-in-on-the-ukraine-crisis/>

- Huntington, S. (1999). The Lonely Superpower. *Foreign Affairs*. No78
- Gabbard, Tulsi (2022), Why 'Military-Industrial Complex' Wants Russia To Invade Ukraine, at: https://larouche.com/pr/2022/2/13_gabbard_explains.html.
- Global times. (2022). US moves to 'weaken' Russia by robbing its top scientists, will it work?" at: <https://www.globaltimes.cn/page/202204/1260676.shtml>
- Gordon, Oliver. (2022). What the Ukraine conflict means for Europe's energy crisis, at: <https://www.energymonitor.ai/policy/a-ukraine-could-inflate-europes-energy-crisis/>
- Kumar Shahi, Dharmendra. (2022). War in Ukraine: A Geopolitical Analysis. *International Journal of Research in Social Science* Vol. 12 Issue 06.
- Mearsheimer, John J. (2014). Why the Ukraine Crisis Is the West's Fault, The Liberal Delusions That Provoked Putin. *Foreign Affairs*, Vol.93, No. 5.
- Rubel, M., Sazzad, H. (2022). analyze the causes of the Russian- Ukraine war with walt's three images (individual, domestic politics, international system). *Journal of Social Science*, Vol. 03, No. 05, September
- Mishra, A. (2022). Even as the overall US stock market is going down, shares of these companies have been rising since the war started in February. 18 september 2022 at: <https://sundayguardianlive.com>.
- Mills, Ch. W. (1954). *The Power Elite*. New York: William Morrow.
- Snyder, R. (1999). The U.S and Third World Revolutionary State: Understanding the Breakdown in Relationship. *International Study Quarterly*, N.43,
- Walt, S. (2022). An International Relations Theory Guide to the War in Ukraine, *foreignpolicy*, at: <https://foreignpolicy.com/2022/03/08/an-international-relations-theory-guide-to-ukraines-war/>
- Welt, c. (2021). Ukraine: Background, Conflict with Russia, and U.S. Policy, *Congressional Research Service*.
- Woehrel. S. (2014). Ukraine: Current Issues and U.S. Policy. *Congressional Research Service*. pp.1-19